



تهیه شده در:
معاونت اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
آبان ماه ۱۳۹۵

بررسی مسائل روز اقتصاد ایران

ناظر: شیما حاجی نوروزی

همکاران این شماره: نرگس مرادی - شبنم فروحی

گزارش:

مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی بسترها و الزامات، چالش‌ها و راهکارها

خلاصه مدیریتی

گزارش حاضر با هدف بررسی عملکرد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور تهیه گردیده و نشان داده شده است که به دلیل نبود بسترها و الزامات اولیه ایجاد این مناطق، اهدافی که در ابتدا تصویر گردید، محقق نشده است و تاسیس مناطق جدید هم در نبود شرایط اولیه، کارکرد توسعه‌ای برای کشور نخواهند داشت. این گزارش با طرح سؤالاتی نظیر «آیا اهداف مربوط به تاسیس مناطق آزاد و ویژه اقتصادی نظیر رشد و توسعه اقتصادی، رشد صادرات، سرمایه‌گذاری، حضور فعال در بازارهای منطقه‌ای و جهانی، اشتغال جوانان و ... ، تاکنون محقق گردیده‌اند که سیاستگذاران در پی تاسیس مناطق جدید هستند؟ آیا اکنون زمان مناسبی برای ایجاد مناطق جدید در کشور است؟»، به دنبال پاسخگویی به آنها است.

در ابتدای گزارش به مفاهیم، اهداف و تفاوت‌های مناطق آزاد و ویژه، پرداخته و در ادامه مروری بر مبانی نظری مربوط به تجارت آزاد و الزامات آن شده است. در مبانی نظری به این نکته مهم اشاره گردیده که بر

خلاف آنچه کلاسیک‌ها و طرفداران تجارت آزاد، مبلغ آن هستند که محصولی را که می‌توان از طریق تجارت آزاد و بر پایه مزیت نسبی ارزان‌تر به دست آورد، نباید تولید کرد، هدف از تجارت آزاد تنها تعویض کالا با کالا نیست. این مساله را "فردریک لیست" بنیانگذار مکتب تاریخی، مطرح کرد. به اعتقاد وی، طرفداران تجارت آزاد با تاکید بر اثرات مبادله کالا، نقش قدرت تولیدی کشورها را نادیده می‌گیرند. از نگاه لیست مرحله رشد اقتصادی و قدرت تولیدی کشورها برای حرکت به سمت آزادسازی بسیار حائز اهمیت است و هر نوع مواجهه میان دو اقتصاد در شرایط نابرابری توان تولیدی، منجر به تحمیل اراده اقتصاد قوی‌تر بر اقتصاد ضعیف‌تر خواهد شد. از دیگر نقدهای جدی لیست به کلاسیک‌ها، تکیه صرف بر مزیت نسبی بود. وی با طرح موضوع خلق مزیت، توصیه کلاسیک‌ها مبنی بر تجارت بر اساس مزیت نسبی را زیر سوال برد. او راه نجات کشورهای در حال توسعه را خلق مزیت و نه صرفا اتکا به مزیت‌های نسبی عنوان کرد. از نظر لیست اگر کشورهای در حال توسعه با بنیه تولیدی ضعیف، صرفا بر مزیت‌های نسبی خود تمرکز کنند، باید تا ابد به صادرات مواد خام و کالاهای با ارزش افزوده پایین اکتفا کنند و هیچ‌گاه مسیر رشد صنعتی را در پیش نگیرند. به عبارتی تقویت بنیه تولیدی و ایجاد مزیت، از گام‌های موثر برای حرکت به سمت آزادسازی تجاری و ایجاد مناطق آزاد و ویژه قلمداد می‌شود که این مهم نیازمند استراتژی توسعه صنعتی است. در ادامه به سایر عوامل مهمی که در موفقیت مناطق آزاد و ویژه اثرگذارند نظیر شفافیت اهداف و استراتژی-ها، مطلوبیت مکانی، موقعیت جغرافیایی، تامین زیرساخت‌ها، سیاست‌های تشویقی و قوانین روشن و شفاف، اشاره شده است.

بخش دوم گزارش به مروری بر تجربه چین اختصاص دارد و نشان می‌دهد که دولت مرکزی چین برای توسعه این مناطق، گام به گام عمل کرده و از اقدامات دفعتی پرهیز کرده است. این کشور سه مرحله را طی نموده؛ بطوری‌که ابتدا دوره‌ای را از زمان بنیانگذاری و تاسیس تا ساخت امور زیربنایی گذرانده است. سپس وارد مرحله توسعه و ساختن یک اقتصاد متکی بر صادرات شده و در نهایت مرحله شتاب در رشد و توسعه مناطق (از سال ۱۹۹۰ به بعد) را درپیش گرفته است. از دیگر عوامل موفقیت این کشور در توسعه مناطق آزاد می‌توان به بسترسازی‌های نهادی، بسترسازی‌های اقتصادی و بکارگیری سیاست‌ها و مقررات انگیزشی اشاره داشت.

در بخش سوم گزارش به آسیب‌شناسی عملکرد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در ایران پرداخته شده است و با بررسی‌های آماری، نشان می‌دهد که در حال حاضر عملکرد این مناطق با اهدافی که از تاسیس آنها تصویر شده است، به وضوح فاصله دارد. آمارها نشان می‌دهند که در ساختی که بنیه تولیدی ضعیف است و زیرساخت‌ها و الزامات اولیه مهیا نگردیده است، آنچه محقق می‌شود با آنچه انتظار می‌رود، تفاوت بنیادی دارد. بررسی آمارهای واردات حاکی از آن است که کل مبلغ واردات کالا با هدف تولید، عرضه و مصرف در

مناطق آزاد طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، معادل ۷۱۲۱ میلیون دلار بوده است که این رقم، واردات کالا از طریق گمرک جمهوری اسلامی ایران در منطقه آزاد به سرزمین اصلی را شامل نمی‌شود. در بین مناطق آزاد، قشم و کیش به ترتیب بیشترین میزان واردات را در طی این ۵ سال داشته‌اند. آمار ارائه شده در خصوص صادرات طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهد که بیشترین سهم از صادرات طی این سال‌ها متعلق به صادرات تولیدات داخلی از طریق منطقه به خارج بوده که رقمی حدود ۱۵۰۰۰ میلیون دلار و به طور میانگین سهمی بیش از ۸۰ درصد داشته است. به عبارتی با وجود اینکه تقویت و رشد صادرات یکی از اهداف تاسیس این مناطق بوده، اما آمارها بیانگر آن است که صادرات در این مناطق بسیار محدود بوده و در عمل معافیت‌ها و حمایت‌های اعمال شده به رشد معنی‌دار تولیدات صادرات محور منجر نگردیده است. از عمده دلایل شکست عملکرد در این مناطق را می‌توان به اختصار به مواردی نظیر بی‌توجهی به تولید، انتخاب نقطه جغرافیایی نامناسب و عدم وجود زیرساخت‌های لازم، عدم وجود نگاه استراتژیک و کلان به موضوع و چالش‌های قانونی نسبت داد که باعث گردیده این مناطق بیش از آن که سکویی برای صادرات باشند، به محلی برای واردات بی‌رویه شده‌اند و کارکرد توسعه‌ای خود را از دست بدهند.

در پایان بر اساس مطالب ارائه شده، در پاسخ به سوال مطروحه در ابتدای گزارش، آمده است که ایجاد مناطق آزاد و ویژه جهت افزایش صادرات، ایجاد اشتغال و جذب فناوری‌های نوین، نیازمند رویکرد تولیدمحوری و توجه ویژه به تقویت تولید در این مناطق می‌باشد. به‌علاوه ایجاد زیرساخت‌ها به صورت اصولی و علمی (تحلیل‌های هزینه و فایده) و مشخص کردن جایگاه درست مناطق مذکور در اهداف بلندمدت توسعه اقتصادی کشور، بسیار حائز اهمیت است. متأسفانه در کشور این مسائل در ایجاد مناطق آزاد و ویژه، مورد غفلت قرار گرفته است و نتیجه این غفلت‌ها نه تنها سبب گردید در اداره و استفاده از مناطق فوق چالش‌هایی به‌وجود آید، بلکه منجر به دور شدن از اهداف اصلی گردیده است.

نظر به آنکه دولت محترم لایحه پیشنهادی خود، مبنی بر ایجاد هفت منطقه آزاد تجاری - صنعتی و دوازده منطقه ویژه اقتصادی جدید در کشور را تقدیم مجلس شورای اسلامی نموده است و با توجه به تمام آنچه در زمینه تجربه ایران در خصوص این مناطق مطرح گردید، توصیه می‌شود بسترسازی‌های نهادی لازم در این مناطق صورت گیرد و نگرش سیاستگذاران و مدیران ارشد به سمت بالا بردن کیفیت مناطق مذکور و نه صرفاً افزایش کمیت آنها تغییر کند.

امروزه ایجاد مناطق آزاد تجاری (FTZ)^۱ و ویژه اقتصادی (SEZs)^۲ به عنوان ابزاری برای تحقق استراتژی‌های توسعه برون‌نگر، مورد توجه بسیاری از کشورهای دنیا قرار گرفته است. این مناطق اغلب با هدف تقویت تولید، توسعه صادرات، ایجاد اشتغال و جذب سرمایه در کشورها تاسیس می‌گردند.

مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی از ظرفیت‌های گوناگونی برای خلق مزیت برخوردارند. این ظرفیت‌ها اگر در چارچوب درستی به کار گرفته شوند و از اهداف اصلی خود، منحرف نگردند، می‌توانند ابزاری موثر برای ترقی و رشد صنعتی باشند (World Bank, 2008).

طی چند دهه اخیر یکی از سیاست‌هایی که با اهدافی نظیر اتصال به اقتصاد جهانی، توسعه منطقه‌ای، جذب سرمایه‌های خارجی، افزایش صادرات و مواردی از این دست مورد توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشور قرار گرفته، ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی بوده است.

با وجود تمام مزیت‌ها و پتانسیل‌هایی که برای مناطق مذکور برشمرده می‌شود، شواهد و قرائن حاکی از آن است که تجربه ایران با موفقیت همراه نبوده است. بی‌توجهی به بسترهای اولیه و انحراف از فلسفه اصلی ایجاد مناطق ویژه و آزاد، موجب عدم تحقق اهداف اصلی شده است. باید توجه داشت که هر سیاستی برای دستیابی به اهدافی مشخص طراحی می‌گردد و موفقیت هر سیاست با لحاظ میزان تحقق اهداف موردنظر ارزیابی می‌گردد. در صورت عدم تحقق اهداف سیاستی، صرف پیاده‌سازی و اجرای یک سیاست، دستاورد به شمار نمی‌رود و گاه مشکلات و معضلات جدیدی را هم به تنگناهای قبلی می‌افزاید.

با توجه به اینکه دولت محترم لایحه ایجاد ۷ منطقه آزاد تجاری-صنعتی و ۱۲ منطقه ویژه اقتصادی را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرده است، پاسخ به این سوالات ضروری است:

«آیا اهداف مربوط به تاسیس این مناطق نظیر رشد و توسعه اقتصادی، رشد صادرات، سرمایه‌گذاری، حضور فعال در بازارهای منطقه‌ای و جهانی، اشتغال جوانان و ...، تاکنون محقق گردیده‌اند که سیاستگذاران در پی

تاسیس مناطق جدید هستند؟ آیا اکنون زمان مناسبی برای ایجاد مناطق جدید در کشور است؟»
در گزارش حاضر تلاش گردیده تا به پرسش‌های فوق پاسخ داده شود و مسائل و مشکلات این مناطق ریشه‌یابی گردد. در بخش اول، مفاهیم و مباحث تئوریک ارائه می‌شود. در بخش دوم به تجربه موفق کشور چین پرداخته خواهد شد. بخش سوم به آسیب‌شناسی تجربه ایران می‌پردازد و در پایان به پیشنهادات و راهکارها اشاره خواهد شد.

¹ Free Trade Zone (FTZ)

² Special Economic Zones (SEZs)

بخش اول: مفاهیم و مباحث تئوریک

۱- تعاریف و مفاهیم

مناطق آزاد بر بنیاد نگرش‌های برون‌نگر؛ مبتنی بر مزیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی و با هدف گسترش صادرات شکل گرفتند. تأسیس مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به عنوان یکی از راهکارهای توسعه کشورها با بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در نظام اقتصاد جهانی به شمار می‌رود.

مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، دارای مقررات اقتصادی متفاوتی با دیگر نقاط سرزمین اصلی هستند، تا این تفاوت‌ها بتواند زمینه جذب سرمایه، رونق تجاری و رشد اقتصادی را فراهم آورد. به منظور رشد و توسعه این مناطق، کشورها از مشوق‌های متنوعی همچون مشوق‌های قانونی، مالیاتی و مالی بهره می‌گیرند. این مناطق می‌توانند فرصت مناسبی جهت افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در راستای ارتقاء رقابت صنعتی و نهایتاً رشد اقتصادی جامعه فراهم نمایند. دولت‌ها از طریق اینگونه مناطق به دنبال آن هستند تا ضمن حفظ چارچوب‌های مقرراتی، صادرات خود را در زمینه‌های مختلف گسترش دهند. علاوه بر این، فراهم‌سازی فرصت‌های شغلی و نیز اتخاذ سیاست‌های نوین در عرصه‌های اقتصادی، گمرکی و قوانین کار از دیگر اهداف ایجاد چنین مناطقی به شمار می‌روند. تجربه نشان می‌دهد در حالی که مناطق گوناگون جهان در جریان رشد اقتصادی و اهداف توسعه تاثیرگذار بوده‌اند، اثرات این موفقیت در نقاط مختلف جهان به یک اندازه نبوده است (سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، ۱۳۹۴).

۱-۱- مناطق ویژه اقتصادی

عبارت منطقه ویژه اقتصادی (SEZ) عموماً برای توصیف یک منطقه جغرافیایی مشخص در مبادی ورودی یا در داخل هر کشور که به لحاظ سیستم مالی، اداری و قانونی نسبت به سایر مناطق کشور، لیبرال‌تر یا آزادتر عمل می‌کند، به کار می‌رود (Dobrogonov & Farole, 2015). تفاوت قوانین در این مناطق با سایر مناطق یک کشور، معمولاً در زمینه شرایط سرمایه‌گذاری، مالیات و تجارت بین‌المللی می‌باشد. از طرف دیگر این مناطق از سیستم اداری و اجرایی کارآمدتر برخوردارند (Baissac, 2011). شرکت‌هایی که عملیات خود را در درون یک منطقه ویژه اقتصادی راه‌اندازی می‌کنند با مشوق‌های ویژه‌ای نظیر معافیت‌های مالیاتی و گمرکی و بهره‌مندی از روش‌های ساده گمرکی حمایت می‌شوند (World Bank, 2008). مهم‌ترین ویژگی SEZ آن است که از سیستم نظارتی خاص و متفاوتی نسبت به سایر نقاط کشور بهره می‌برد. ویژگی دیگر آن تامین زیرساخت‌های اختصاصی صنعتی، ایجاد فضای لازم برای پارک و بارگیری، ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل برای ارتباط منطقه با بازارها، مبادی ورودی و قطب‌های حمل و نقل مثل بندر و فرودگاه‌ها است (World Bank, 2008).

۱-۲- مناطق آزاد تجاری

تعاریف گوناگونی از مناطق آزاد ارائه شده است، اما در عین حال می‌توان وجه اشتراک واحدی میان این تعاریف مشاهده کرد؛ این وجه اشتراک دلالت بر آن دارد که در این مناطق محدودیت‌های گمرکی و مالیاتی، موانع قانونی به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، نسبت به سایر مناطق کشور کمتر است یا اساساً وجود ندارد.

بنا به تعاریف بین‌المللی، منطقه آزاد محدوده حراست شده بندری و غیربندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و تعرفه گمرکی، همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می‌نماید.

سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد (UNIDO) منطقه آزاد تجاری را محرکی در جهت تشویق صادرات صنعتی می‌داند. همچنین در برداشت جدید از مناطق آزاد که به منطقه آزاد پردازش صادرات معروف است به ناحیه صنعتی ویژه‌ای در خارج از مرز گمرکی، که تولیداتش جهت‌گیری صادراتی دارند، گفته می‌شود (منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، ۱۳۹۴).

در تعریفی دیگر از منطقه آزاد به عنوان محدوده معینی از قلمرو کشور یاد می‌شود که خارج از محدوده قانونی، اداری و فیزیکی تاسیسات گمرکی و معمولاً در محدوده یک بندر قرار دارد و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط مجاز است. این مناطق جهت‌گیری صادراتی دارند و ورود و خروج کالا و سرمایه و جابه‌جایی نیروی کار به سهولت انجام می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، مهر ۱۳۹۵).

از جمله مزایای این مناطق بارگیری سریع کشتی و هواپیما از طریق کاهش و حذف موانعی همچون تعرفه‌های تجاری بالا مقررات پیچیده و بازرسی‌های گمرکی است (Sullivan, 2003).

یکی از علل بروز تعاریف مختلف مناطق آزاد اقتصادی در واقع روند توسعه آنها در طول تاریخ می‌باشد. ساختار ابتدایی اینگونه مناطق در بنادر آزادی شکل گرفت که تنها خدمات آنها سرویس‌های بازرگانی و انبارداری در محدوده تاسیسات بندری بود. با گذشت زمان برخی از این بنادر آزاد به مناطق بدون تعرفه گمرکی ارتقاء یافته و تاسیسات تولیدی سبک در آنها جای داده شد. گام بعدی در روند توسعه مناطق آزاد اقتصادی، گسترش نواحی فرآیندهای صادراتی بود که منجر به تشویق توسعه تولید در منطقه با رویکرد صادرات محصولات شد و در نهایت با ارائه سیاست‌ها و مقررات متفاوت از قوانین اقتصاد ملی گام نهایی خود را به سوی فراهم نمودن فضایی مناسب برای سرمایه‌گذاران برداشتند.

مناطق آزاد را بر مبنای تقسیم‌بندی که توسط انجمن پردازش اقتصادی جهان صورت گرفته، می‌توان در چهار گروه تقسیم‌بندی نمود:

نواحی آزاد بزرگ: در این نواحی جمعیت ساکن زیادی زندگی می‌کنند (مانند مناطق آزاد چین) نواحی آزاد کوچک: مناطق آزادی که در یک بخش محصور شده و معمولاً کمتر از ۸۱۱ هکتار است. این نواحی، جمعیت ساکن دائم نداشته و ساکنین در این نواحی عمدتاً نیروی کار شاغل در آن مناطق آزاد هستند.

مناطق آزادی که برای بخش خاصی ایجاد می‌شوند مانند نواحی برای صنایع خاص نظیر جواهرآلات، نفت و گاز، الکترونیک، نساجی و غیره.

نواحی برای انجام عملیاتی خاص: این نوع مناطق آزاد برای انجام عملیات معین یا بخشی از فرآیند تولید مثلاً بخشی از پروسه تولیدی که در سرزمین اصلی صورت می‌گیرد، ایجاد می‌شود. در این صورت شرکتها در نواحی مختلف کشور مستقر هستند و تنها بخشی از پروسه تولید در این نواحی صورت می‌گیرد. نمونه این نوع مناطق در هند و مکزیک وجود داشته، همچنین پارک‌های تحقیقاتی از دیگر نمونه‌های این نوع مناطق آزاد است.

بیشتر مناطق آزاد جهان را مناطق نوع دوم یعنی نواحی کوچک تشکیل می‌دهند. هند و چین دو کشوری هستند که در آنجا هر چهار نوع منطقه آزاد وجود دارد.

مطالب ذکر شده نشان می‌دهد که امروزه مناطق آزاد مفهوم و معنای بسیار وسیع‌تر از قبل از جنگ جهانی دوم و حتی یک دهه پیش دارند. در حقیقت، در بنادر آزاد در گذشته تنها و یا به طور عمده ورود و صدور کالا با هدف گسترش بازرگانی خارجی، بدون حقوق و تعرفه گمرکی مورد توجه بود؛ حال آنکه در تعبیر امروزی، علاوه بر تجارت آزاد به سرمایه‌گذاری و تولید نیز توجه می‌شود (سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، ۱۳۹۴).

۱-۳- اهداف

اهداف اصلی مناطق ویژه و آزاد شامل مواردی همچون تأمین کمبودهای توسعه اقتصاد ملی، بهره‌گیری از مزایا، پتانسیل‌ها و به‌طور کلی برتری‌های نسبی منطقه، برقراری ارتباط سیستماتیک بین اقتصاد ملی و جهانی، کسب و افزودن بر مهارت‌های نیروی کار و مدیریت، تولید و اشتغال، کسب درآمدهای ارزی، جذب سرمایه‌های خارجی و فناوری پیشرفته می‌باشد (همان).

برخی از کشورها هدف‌های دیگری مانند محرومیت‌زدایی و توجه به مناطق محروم را نیز دنبال می‌کنند (خوش‌چهره، ۱۳۷۷).

منطقه آزاد و منطقه ویژه با یکدیگر تفاوت ماهوی دارند. مناطق آزاد مناطقی برای صادرات مجدد و تعامل با اقتصاد جهانی و مناطق ویژه بیشتر مناطق تولیدی و صنعتی محسوب می‌شوند. هرچند این مناطق در بسیاری از امتیازات و معافیت‌ها یکسان هستند، اما در برخی دیگر مانند ورود اتباع خارجی به مناطق، معافیت و درصد سرمایه‌گذاری، ثبت شرکت‌ها، استفاده از زمین و منابع ملی، معافیت‌های مالیاتی، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، کالاهای همراه مسافر، بانکداری و فعالیت‌های بیمه‌ای از شرایط متفاوتی برخوردارند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷). در مجموع می‌توان گفت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی اگرچه دارای جهت‌گیری‌های مشابهی در راستای آزادسازی هستند، اما در یک سری اهداف، وظایف و امتیازات و تسهیلات با یکدیگر متفاوت هستند. تفاوت اصلی بین این دو در میزان و حدود آزادی عمل از حیث مقررات و قوانین کشور است. آزادی عمل در مناطق آزاد بیشتر است و از مزایای به نسبت وسیع‌تری برخوردارند (محقق، ۱۳۸۶).

۲- مروری بر مبانی نظری و شواهد تجربی در خصوص تجارت آزاد

ریشه تفکر تجارت آزاد به نظریات بنیانگذار مکتب کلاسیک، آدام اسمیت و طرفداران وی بازمی‌گردد. به اعتقاد آنها محصولی را که می‌توان از طریق تجارت آزاد و بر پایه مزیت نسبی، ارزان‌تر به دست آورد، نباید تولید کرد. کلاسیک‌ها تجارت آزاد را مایه پیشرفت، هم‌سطح شدن کشورها و تکامل قدرت تولیدی و افزایش سرمایه می‌دانستند. در مقابل فردریک لیست بنیانگذار مکتب تاریخی در آلمان، این مسئله را مطرح کرد که بر خلاف دیدگاه کلاسیک‌ها هدف از تجارت خارجی تنها تعویض کالا نیست، بلکه کسب قدرت تولیدی و سیاسی در برابر سایر کشورها می‌باشد. به اعتقاد وی، طرفداران تجارت آزاد با تاکید بر اثرات مبادله کالا، اثرات قدرت‌دهنده به فعالیت‌های تولیدی را نادیده می‌گیرند. لیست مرحله رشد اقتصادی را مورد توجه قرار داد و اظهار داشت آزادسازی و کاهش حمایت‌های دولتی به نفع کشورهای توسعه‌یافته‌ای است که مراحل اولیه رشد را سپری کرده‌اند و قدرت تولیدی مناسبی برای رقابت دارند، اما کشورهای درحال توسعه که در ابتدای راه هستند، از آزادسازی‌های زود هنگام آسیب خواهند دید و هر نوع مواجهه میان دو اقتصاد در شرایط نابرابری توان تولیدی، منجر به تحمیل اراده اقتصاد قوی‌تر بر اقتصاد ضعیف‌تر و بروز سلطه اقتصادی خواهد شد (لیست، ۱۳۸۰). لیست توصیه کرد کشورها برای جلوگیری از متضرر شدن در تجارت خارجی بر اساس ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و سیاسی خود تصمیم‌گیری کنند و در شرایطی که هنوز در مراحل ابتدایی رشد هستند، دولت‌ها از صنایع داخلی حمایت‌های هدفمندی انجام دهند و بعد از دستیابی به قدرت، کم‌کم این حمایت‌ها را حذف کنند.

یکی از نقدهای جدی لیست به کلاسیک‌ها، تکیه صرف بر مزیت نسبی بود. وی با طرح موضوع خلق مزیت نسبی، توصیه کلاسیک‌ها مبنی بر تجارت بر اساس مزیت نسبی را زیر سوال برد. او راه نجات کشورهای در حال توسعه را خلق مزیت و نه صرفاً اتکا به مزیت‌های نسبی عنوان کرد. از نظر لیست اگر کشورهای در حال توسعه با بنیه تولیدی ضعیف، توصیه طرفداران بازار آزاد را در پیش بگیرند و صرفاً بر مزیت‌های نسبی خود تمرکز کنند، باید تا ابد به صادرات مواد خام و کالاهای با ارزش افزوده پایین اکتفا کنند و هیچ‌گاه مسیر رشد صنعتی را در پیش نگیرند. تجارت آزاد بدون لحاظ شرایط و بسترهای اولیه هر کشور، منافع اقتصاد ملی را به خطر می‌اندازد (لیست، ۱۳۸۰).

نکته حائز اهمیت دیگری که معمولاً در نظریات مربوط به آزادسازی تجاری نادیده گرفته می‌شود، تدوین استراتژی توسعه صنعتی است. کمتر کشوری وجود دارد که در توسعه صادرات به موفقیت چشمگیری دست یافته باشد؛ اما پیش از آن به طراحی یک استراتژی توسعه صنعتی اقدام نکرده باشد. مثال بارزی که می‌توان به آن اعتنا کرد، کشورهای شرق آسیا هستند. هاجون چانگ در بررسی تاریخی عملکرد موفق‌ترین کشورهای شرق آسیا مثل کره و ژاپن، نشان می‌دهد که یکی از دلایل اصلی موفقیت این کشورها طراحی سیاست‌های فعالانه صنعتی است. این کشورها نیز مانند کشورهای غربی، صنایع راهبردی خود را مشخص کردند و سیاست‌های حمایتی صنعتی، تجاری و فناوری فعال خود را از این بخش‌ها به عمل آوردند. دولت در این کشورها با طراحی الگوی سیاست صنعتی و حمایت از صنایع نوپا، راه را به سوی تجارت آزاد تسهیل کرد (مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۸). این کشورها از سیاست‌های صنعتی برای تقویت بخش‌های تولیدی موردنظرشان بهره گرفتند تا صادرات را افزایش دهند (چانگ، ۱۳۹۲).

در مجموع باید گفت حرکت به سمت آزادسازی نیازمند بسترسازی‌های اولیه، طراحی استراتژی توسعه صنعتی و تقویت بنیه تولید است تا بهره‌مندی از مزایای آزادی تجاری محقق گردد. در غیر اینصورت آزادسازی می‌تواند صنایع و تولیدات داخلی را تحت فشار رقابتی ناعادلانه قرار دهد و شرایط را برای تولیدات داخلی بغرنج سازد.

۳- عوامل کلیدی در موفقیت مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری

امروزه مناطق آزاد و ویژه به عنوان یکی از پایه‌های اقتصادی در افزایش صادرات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی سهم بزرگی از اقتصاد کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهند. اما اینکه منطقه خاصی به عنوان منطقه آزاد یا ویژه نامگذاری شود و صرفاً اهداف و فعالیت خاصی برای آن منظور شود، منجر به رشد اقتصادی و تحول مثبت در منطقه نخواهد شد (لطیفی و امین آقایی، ۱۳۸۵).

از جمله عواملی که در دنیا باعث موفقیت مناطق آزاد و ویژه گردیده به اختصار در ادامه توضیح داده شده است.

۳-۱- شفافیت اهداف و استراتژی‌ها

تأسیس این مناطق در جهان، بیشتر در کشورهایی با موفقیت همراه بوده است که حرکت پیوسته و باثباتی را در سطح ملی برای جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی-اجتماعی خود سازمان داده و ورود به عرصه تولید و تجارت در جهان را در دستور کار خویش قرار داده‌اند. بدین معنا، ایجاد مناطق آزاد و ویژه در هر کشور را نه به صورت اقدامی مجزا از اقتصاد ملی، بلکه باید به منزله ابزاری برای توسعه صنعتی و بخشی از راهبردهای کلان برای توسعه اقتصادی-اجتماعی تلقی کرد. از این رو ضروری است تا با برنامه‌ریزی و اتخاذ سلسله تصمیمات متوالی و متناسب با زمان و توجه به قابلیت‌های منطقه؛ حصول اهداف این مناطق را پیگیری کرد (رهنورد، ۱۳۸۹).

عدم موفقیت نسبی در تجربه کشورهای در حال توسعه، اغلب به شفاف نبودن اهداف و استراتژی‌ها باز می‌گردد. این کشورها بدون توجه به پتانسیل‌ها، امکانات و محدودیت‌های خود و صرفاً تحت تأثیر موفقیت چند کشور دیگر، اقدام به تأسیس چنین مناطقی نموده‌اند. درحالیکه موفقیت کشورهای نظیر کره دقیقاً در راستای اتخاذ استراتژی‌های صحیح و اصولی و با برخورداری از امکانات مطلوب داخلی و شرایط خارجی از نظر تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صورت گرفته است (کميجانی، ۱۳۷۳).

۳-۲- تقویت بنیه تولیدی، خلق مزیت و تدوین استراتژی توسعه صنعتی

با توجه به مبانی نظری مربوط به تجارت آزاد به‌ویژه رهنمودهای فردریک لیست، می‌توان چنین اظهار داشت که توجه به چگونگی وضعیت کشورها در خصوص مرحله رشد اقتصادی، شرایط سیاسی و اجتماعی و سنجش میزان قدرت تولیدی از عوامل مهم در موفقیت مناطق آزاد می‌باشد. در واقع پرهیز از آزادسازی‌های زودهنگام و هر نوع مواجهه اقتصادی میان کشورهای مختلف آن هم در شرایطی که از توان تولیدی نابرابر برخوردار هستند، منجر به پیشگیری از آسیب دیدن کشورهای ضعیف‌تر در برابر کشورهای قوی‌تر خواهد شد.

همچنین پرهیز از تجارت صرف بر اساس مزیت نسبی و حرکت به سمت خلق مزیت در اقتصاد موجب جلوگیری از افتادن کشورهای در حال توسعه در مسیر صادرات کالاهایی با ارزش افزوده پایین و مواد خام می‌گردد. بنابراین خلق مزیت می‌تواند عامل مهمی در موفقیت عملکرد مناطق آزاد باشد. همه این موارد نیازمند طراحی و تدوین برنامه راه و استراتژی توسعه صنعتی است.

۳-۳- مطلوبیت مکانی و تامین زیرساخت‌ها

در نگاه استراتژیک، مطلوبیت مکانی و موقعیت جغرافیایی از ضروری‌ترین عوامل مهم برای ایجاد منطقه آزاد و ویژه به شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که مکان‌یابی درست از نظر قابل دسترس بودن و نزدیکی به بازارهای هدف داخلی، منطقه‌ای و جهانی، امنیت جغرافیایی، دسترسی به آب‌راه‌های آزاد و وجود تاسیسات و شبکه حمل‌ونقل، بسیار قابل اهمیت است و می‌تواند در موفقیت یا عدم موفقیت یک منطقه آزاد نقش به‌سزایی داشته باشد (ره‌نورد، ۱۳۸۹). بنابراین انتخاب منطقه جغرافیایی مناسب یکی از الزامات اولیه برای ایجاد این مناطق است.

از سوی دیگر یکی از اصول مهم و موثر توسعه اقتصادی در این مناطق، بهره‌گیری از زیرساخت‌های مهم و اساسی است تا منطقه برای سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی جاذبه لازم را داشته باشد. اما توجه به این ضرورت انکار ناپذیر مستلزم صرف هزینه‌ها و وقت بسیاری است. در همین راستا لازم است منطقه‌ای انتخاب شود که از زیرساخت‌های موردنیاز برخوردار باشد و یا دست‌کم منابع لازم برای ایجاد این زیرساخت‌ها را داشته باشد. الزامیست قبل از هر اقدامی در این زمینه، تحلیل هزینه-فایده، انجام شود زیرا با مکان‌یابی نادرست، احتمال آن می‌رود که هزینه ایجاد زیرساخت‌ها در یک منطقه بیش از منافع حاصل از آزاد اعلام کردن آن منطقه باشد. به‌طور مثال بر اساس تحلیل هزینه-فایده، در مناطق آزاد فیلیپین هزینه زیاد ایجاد زیرساخت‌ها منجر به زیان خالص اقتصادی آنها شد و در مقابل با همین تحلیل، مناطق آزاد چین و کره جنوبی، به دلیل انتخاب منطقه مناسب به لحاظ موقعیت زیرساختی، از نفع خالص بهره‌مند شدند. بنابراین مکان‌یابی نادرست منطقه آزاد و ویژه نه تنها منفعتی در بر ندارد بلکه هزینه بیشتری را تحمیل می‌کند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

۳-۴- سیاست‌های تشویقی و قوانین روشن

یکی دیگر از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای لازم برای موفقیت این مناطق، قوانین شفاف و باثبات است. شفافیت و ثبات قوانین به عاملین اقتصادی کمک می‌کند تا تصمیمات خود را برای بازه‌های بلندمدت اتخاذ نمایند. در مقابل عدم شفافیت و ثبات در قوانین، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری را در پی خواهد داشت.

با توجه به اینکه جلب سرمایه‌های خارجی، از اهداف اصلی ایجاد مناطق ویژه و آزاد می‌باشد بنابراین، شفافیت قوانین در این مناطق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (همان).

بخش دوم: مروری بر تجربه کشور چین و بررسی دلایل موفقیت آن

۱- تاریخچه

در سال ۱۹۸۷، کشور چین سیاست اصلاحات و درهای باز را برای ارتباط و همکاری با مناطق و کشورهای جنوب شرقی آسیا با اهداف توسعه و بازسازی اقتصاد کشور خود اتخاذ کرد و به تدریج ۵ شهر ساحلی را به عنوان منطقه ویژه اقتصادی انتخاب نمود. این مناطق عبارتند از شهر شن جن^۳ برای ارتباط با هنگ کنگ، جوحای^۴ برای ارتباط با ماکائو، شانتو^۵ برای ارتباط با کشورهای آسیای شرقی و شیامن^۶ برای ارتباط با تایوان. پس از آن نیز جزیره حانیان^۷ در جنوبی ترین نقطه چین به عنوان منطقه ویژه اقتصادی اعلام شد. همچنین در سال ۱۹۸۴ به ۱۴ شهر ساحلی چین اجازه تاسیس مناطق آزاد تجاری داده شد و در سال ۱۹۹۰، منطقه اقتصادی پودونگ در ناحیه شانگهای به عنوان پروژه ملی تصویب شد. در این پروژه ایجاد مناطق مالی، تجاری، صنعتی، فرآوری صادرات و جذب دانش فنی در محدوده ای مجزا مد نظر گرفته شد. در سال ۱۹۹۲ سیاست های ترجیحی به شهرهای استان های ساحلی به خصوص در مجاورت رودخانه یانگ تسه و تعدادی از شهرهای مرز شمال شرقی گسترش یافت. تاثیر ایجاد مناطق آزاد تجاری در میزان افزایش تولید این بخش ها منعکس گردید. برای مثال در منطقه شن جن تولید در سال ۱۹۹۰ نسبت به سال ۱۹۷۹، ۷۰۰ درصد رشد داشت. رشد درآمد این منطقه در همین زمان ۵۸۰ درصد، رشد تولیدات صنعتی ۲۶۸۰ درصد، رشد صادرات ۳۲۰۰ درصد و رشد سالانه تولید، بیش از ۴۷ درصد بود (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۵).

قبل از ایجاد مناطق آزاد و ویژه در چین، در این کشور تجربه اندکی در روابط تجاری با شرکت های خارجی وجود داشت. بنابراین محیط سرمایه گذاری در اوایل دهه ۱۹۸۰ برای اجرای اقتصاد بازار مناسب نبود، اما به تدریج، افراد و بخش های دست اندرکار که تجربه اندک و آموزش های پایینی داشتند، در جریان کمک ها و آموزش شرکت های خارجی قرار گرفته و تجارب مفیدی کسب کردند. همچنین مناطق آزاد از نظام مدیریت بسته به اقتصاد رقابتی و توسعه اجتماعی تغییر جهت داده و با گسترش و افزایش سیاست های ترجیحی موفق شدند سرمایه های زیادی را از چینی های خارجی و دیگران جذب کنند. اگر چه سیاست های اجرائی در این مناطق به وسیله دولت مرکزی اتخاذ شده و از خط مشی اقتصاد متکی بر برنامه ریزی تبعیت

³ Shenzhen

⁴ Zhuhai

⁵ Shantou

⁶ Xiamen

⁷ Hanian

می‌کنند، اما عملاً نیروهای بازار نقش اصلی و عمده را در این مناطق دارند. در این مناطق اصلاحات ساختاری، بهینه‌سازی تولید و ارتقای تکنولوژی در دستور کار قرار گرفت.

دولت مرکزی چین برای روند توسعه این مناطق سه مرحله را در نظر گرفته است که عبارتند از:

۱- دوره ابتدایی از زمان بنیانگذاری و تاسیس تا ساخت امور زیربنایی

۲- مرحله توسعه و ساختن یک اقتصاد متکی بر صادرات

مرحله شتاب در رشد و توسعه مناطق (از سال ۱۹۹۰ به بعد) (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵).

۲- عوامل موفقیت مناطق آزاد چین

اگرچه نمی‌توان موفقیت تجربه مناطق آزاد را جدا از موفقیت اقتصاد چین در دو دهه اخیر ارزیابی کرد، اما مهم‌ترین عوامل موثر بر عملکرد موفق این مناطق عبارتند از بسترهای نهادی، زیرساخت‌های اقتصادی و سیاست‌ها و مقررات انگیزشی.

الف- بسترسازی‌های نهادی

نهادهای اجتماعی و سیاسی نقش قابل توجهی بر تحول اقتصاد چین داشته‌اند. صاحب‌نظران چینی در بررسی علل عدم رشد و توسعه (علی‌رغم عوامل مثبت مانند صنایع اولیه و مادر یا ویژگی تلاش، نظم و صرفه‌جویی چینی‌ها) به این نتیجه رسیدند که نقطه کور مساله، فقدان فضای مناسب کسب و کار و محیط نامناسب برای تولید و بهره‌وری است که محصول اقتصاد غیررقابتی به‌شمار می‌رود. آن‌ها دریافتند که استعداد چینی‌ها و اقوام دیگر در فضای نهادی ویژه‌ای شکوفا شده و سرعت می‌گیرد که در آن فضا حقوق مالکیت، رقابت، وجود سازمان‌های پاسخگو، آزادی سیاسی، فرهنگ خدمت و تلاش و بالاخره سنت عدالت و مساوات در برابر قانون وجود داشته باشد. با چنین زمینه‌ای، اقتصاد چین از اواخر دهه ۱۹۸۰ به سوی برخی اصلاحات نهادی مانند استقرار تدریجی محیط رقابتی، حمایت از حقوق مالکیت، حرکت به سمت باز کردن اقتصاد به روی سرمایه‌گذاران خارجی، برقراری امنیت و ثبات در داخل و روابط خارجی و عدالت قضائی رفت. در کنار این اصلاحات، نقش اقتصادی دولت در مدیریت و ثبات بخشی بر فرآیند توسعه تقویت شد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵).

موثر بودن اصلاحات نهادی وابستگی کامل به کارایی بستر اجرائی و اداری دارد. به عبارت دیگر باید در کنار اصلاح نگرش سیاستگذاری و مقررات، به مسائل اساسی مانند عدم تغییرات اساسی و کوتاه‌مدت در مقررات و روندهای اجرائی، کاهش فساد اداری، تسهیل ترتیبات و تشریفات اجرائی و یکسان و شفاف‌سازی روندهای نظارتی توجه اساسی شود تا محیط مناسب و مقررات مساعد به وسیله تنگناهای اجرائی و اداری خنثی نشود. بنابراین اگر موفقیتی در مناطق آزاد چین مشاهده می‌شود تا حد زیادی مدیون احساس

امنیت سرمایه‌گذاران خارجی و محیط مناسب کسب و کار است که در اثر اصلاحات نهادی حاصل شد. به عنوان نمونه در ۱۵ سال منتهی به ۱۹۹۷، تعداد پروژه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۶۳۸ پروژه به ۱۸۶۴۴ پروژه افزایش یافت که دلیلی برای انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی و مناسب شمردن محیط اقتصادی چین است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵).

ب- زیرساخت‌های اقتصادی مناسب

برتری و مزیت مناطق آزاد چین در این اصل اساسی نهفته است که فضای مناسب برای سرمایه‌گذاری صنعتی و تجاری در این مناطق فراهم شد و با مساعدت‌های جدی دولت، زیرساخت‌های لازم برای بهبود شرایط تولید، کاهش هزینه محصولات، انتقال مدیریت تکنولوژی و در نهایت امکان بازاریابی برای محصولات چینی به وجود آمد. گرچه اصلاح سیاست‌ها و مقررات عامل مهمی به‌شمار می‌رود، اما آمادگی زیرساخت‌های مناسب برای تولید و صادرات و تقویت توان فنی-اداری مناطق آزاد، کمک شایانی به روند توسعه صنعتی و توان رقابت چین کرد. از سوی دیگر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی الگوی مناسبی برای دیگر مناطق شد و این مناطق بر سطح اشتغال، ترازپرداخت‌ها، تراز بازرگانی، تقویت بازار سرمایه و به‌طور کلی اصلاح مسیر توسعه اقتصاد ملی اثر گذاشت.

وجود زیرساخت‌های قوی و پیشرفته که یا به‌صورت مستقیم به‌وسیله دولت احداث شده یا با پشتوانه و تسهیلات دولتی به‌وسیله بخش خصوصی شکل گرفته است، باعث گردیده که کیفیت و هزینه تولید کاملاً در حد رقابت بین‌المللی شود و با توجه به سهولت و جذابیت مقررات، امکان جذب سرمایه‌ها و فناوری خارجی وجود دارد (همان).

ج- سیاست‌ها و مقررات انگیزشی

اصلاح مقررات پولی و بانکی، اصلاح قوانین تجاری و تعرفه‌ای و بازرگانی در قانون تجارت، تسهیلات ارزی، اصلاح مقررات سرمایه‌گذاری و مالیاتی از طریق اعطای معافیت‌های مالیاتی با جهت‌گیری تولیدی-صنعتی و اولویت‌های تعیین شده، تضمین امنیت سرمایه‌های خارجی‌ها و مواردی از این دست در راستای حفظ توان رقابتی و بالا بردن بهره‌وری، از جمله سیاست‌ها و مقرراتی است که در این مناطق در چین پیاده شده است (همان).

بخش سوم: آسیب شناسی عملکرد مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی کشور

۱- فلسفه ایجاد مناطق ویژه و آزاد در کشور

وابستگی شدید اقتصاد ایران به تک محصول نفت و دلارهای نفتی، همواره کشورمان را با مشکلات عدیده مواجه ساخته است. نوسانات شدید درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و به تبع آن فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی را متأثر و ضربه‌پذیر ساخته است.

از این‌رو بر اساس خط‌مشی شماره ۴ قانون برنامه اول توسعه مبنی بر «ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر تولید محصولات استراتژیک و مهار تورم» از طریق «برداشتن کلیه موانع و ایجاد همه‌گونه تسهیلات برای توسعه صادرات کالاهای صنعتی براساس مزیت‌های کشور از جمله ایجاد مناطق صنعتی آزاد جهت استقرار صنایع تولیدکننده محصولات صادراتی و جذب سرمایه در این صنایع» (بند ۳۹ خط‌مشی شماره ۴)، ایجاد مناطق آزاد در دستور کار قرار گرفت.

به موجب تبصره ۱۹ قانون برنامه اول توسعه مصوب ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی، به دولت اجازه داده شد حداکثر در سه نقطه از نقاط مرزی کشور، مناطق آزاد تجاری - صنعتی تاسیس نماید. همچنین قانون چگونگی اداره این مناطق در ۷ شهریور ۱۳۷۲ در ۲۶ ماده و ۴ تبصره به تأیید مجلس شورای اسلامی رسید و مجوز اداره مناطق آزاد جزیره کیش، قشم و چابهار به عنوان مناطق آزاد تجاری - صنعتی صادر گشت (کامران، ۱۳۸۱).

ایجاد مناطق ویژه اقتصادی جهت پردازش و صادرات نیز در تبصره ۲۰ قانون برنامه اول توسعه، مورد توجه قرار گرفت (مرکز پژوهش‌های مجلس، مرداد ۱۳۹۵). اجازه تاسیس مناطق ویژه اقتصادی یا مناطق حراست شده گمرکی از برنامه اول تا سال ۱۳۸۴ به دولت سپرده شده بود که مطابق تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی این تصمیم نیز به مجلس سپرده شد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۷).

۲- هدف از تاسیس مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

• ماده ۱ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران هدف از تاسیس این مناطق را تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی می‌داند (سایت شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی).

• به موجب ماده ۱ قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی ایران، هدف از تاسیس مناطق ویژه پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی و برقراری ارتباط تجاری بین‌المللی و تحرک در اقتصاد منطقه‌ای و تولید و پردازش کالا، انتقال فناوری، صادرات غیرنفتی، ایجاد اشتغال مولد و جلب و تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، صادرات مجدد، عبور خارجی (ترانزیت) و انتقال کالا (ترانشیب) تعیین شده است (سایت شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی).

۳- مهم‌ترین تفاوت‌های مناطق آزاد و ویژه در ایران

مناطق آزاد و ویژه در اکثر موارد دارای کارکردهای مشابهی هستند. با این وجود تفاوت‌هایی هم بین آن‌ها وجود دارد. مناطق ویژه نسبت به مناطق آزاد تخصصی‌تر هستند و کارکرد اصلی آن‌ها حمایت از تولید و صادرات است و حوزه تجاری آن‌ها نسبت به مناطق آزاد کمتر است. شاید بتوان گفت بارزترین تفاوت‌ها بین مناطق آزاد و ویژه در امتیازات قانونی نظیر معافیت‌های مالیاتی، صدور روادید، قوانین و مقررات مربوط به بانک‌ها، سرمایه‌گذاری و مدیریت مناطق است. در مجموع شرایط قوانین و مقررات در مناطق آزاد نسبت به ویژه سهل‌گیرانه‌تر است (مرکز پژوهش‌های مجلس، مرداد ۱۳۹۵).

جدول ۱- مقایسه شرایط سرمایه‌گذاری و امتیازات و معافیت‌ها در مناطق آزاد و مناطق ویژه در ایران

ردیف	شرح موضوع	مناطق آزاد	مناطق ویژه
۱	ورود به مناطق	بدون نیاز به روادید قبلی با رعایت مقررات و ضوابط موضوعه روادید تا ۶ ماه برای منطقه صادر می‌شود.	با صدور روادید در در مبادی ورود و رعایت مقررات و ضوابط موضوعه
۲	اشتغال در مناطق	پس از دریافت مجوز کار از سازمان منطقه و بر اساس قرارداد کاری که در منطقه منعقد می‌شود، بدون الزام به رعایت قانون کار طبق مقررات منطقه	پس از دریافت مجوز کار از سازمان منطقه طبق مقررات
۳	اقامت در مناطق برای شاغل و افراد تحت تکفل	پس از دریافت مجوز کار از سازمان منطقه	پس از دریافت پروانه کار در منطقه
۴	سرمایه‌گذاری و درخواست آن	طبق مقررات مناطق آزاد، اخذ مجوز سرمایه‌گذاری از سازمان مناطق آزاد و عدم نیاز به سایر نهادها	طبق مقررات سرزمین اصلی
۵	ثبت شرکت و درخواست آن	طبق مقررات مناطق آزاد	طبق مقررات سرزمین اصلی
۶	استفاده از زمین و منابع ملی	طبق مقررات مناطق	طبق مقررات سرزمین اصلی
۷	معافیت مالیاتی بر فعالیت اقتصادی	۲۰ سال از روز شروع فعالیت (تولید محصول، شروع هر فعالیت غیرتولیدی)	طبق مقررات سرزمین اصلی با رعایت بعضی تسهیلات در هر منطقه ویژه

ردیف	شرح موضوع	مناطق آزاد	مناطق ویژه
۸	استخدام نیروی انسانی، مقررات کار	طبق مقررات خاص مناطق آزاد: کارفرما در پرداخت عیدی و مزد و پاداش تنها بر اساس قرارداد کار عمل می کند و در زمان اخراج کارگر خسارت پرداخت می کند و الزامی به حفظ کارگر ندارد. رسیدگی به اختلافات یک مرحله ای و مجمع رسیدگی سازمان مناطق آزاد است.	همانند مقررات خاص مناطق آزاد همانند مقررات خاص مناطق آزاد (قانون جدید مناطق ویژه)
۹	استخدام نیروی انسانی خارجی	تا ده درصد نیروی انسانی شاغل در منطقه	همانند مقررات خاص مناطق آزاد (قانون جدید مناطق ویژه) تا ده درصد نیروی انسانی شاغل در منطقه
۱۰	واردات به منطقه و صادرات از منطقه	طبق مقررات مناطق آزاد و معاف از حقوق گمرکی	طبق مقررات مناطق آزاد و معاف از حقوق گمرکی
۱۱	واردات به منطقه و صادرات از منطقه به داخل کشور	ورود تا منطقه آزاد معاف از حقوق گمرکی و از منطقه به داخل طبق مقررات داخلی کشور	ورود تا منطقه ویژه معاف از حقوق گمرکی و از منطقه به داخل طبق مقررات داخلی کشور
۱۲	ورود کالای ساخته شده در منطقه به داخل کشور	طبق ضوابط ارزش افزوده و فرمول تعیین شده	طبق ضوابط ارزش افزوده و فرمول تعیین شده
۱۳	کالا و تجهیزات و مواد اولیه از داخل به منطقه و از منطقه به خارج	تا منطقه آزاد بدون حقوق گمرکی از منطقه به خارج با حقوق گمرکی	تا منطقه ویژه: بدون حقوق گمرکی، از منطقه به خارج با حقوق گمرکی
۱۴	ترخیص کالا از گمرک منطقه	به دفعات با صدور تمامی اسناد ترخیص مورد نیاز و گواهی مبدا	به دفعات با صدور تمامی اسناد ترخیص مورد نیاز و گواهی مبدا
۱۵	عمده فروشی و خرده فروشی	عمده فروشی	خرده فروشی
		در تمام مناطق چه به ایرانیان و چه خارجیان مجاز است.	در تمام مناطق چه به ایرانیان و چه خارجیان مجاز است. فقط به خارجیان به شرط خروج کالا از کشور
۱۶	بانکداری	بانک برون مرزی Off-Shore بانک های داخلی	فقط بانک های داخلی با امکان فعالیت ارزی
۱۷	فعالیت بیمه گری	برطبق مقررات مجری در مناطق آزاد	برطبق مقررات مجری در داخل کشور

 منبع: مرکز پژوهش های مجلس، مرداد ۱۳۹۵ و www.freezones.ir

۴- بررسی آماری عملکرد مناطق آزاد ایران^۸

دستیابی به اهداف تعیین شده برای هر سیاستی، بدون ارزیابی عملکرد و اصلاح رویه‌ها، امکان‌پذیر نخواهد بود. هر قدر اهداف به خوبی انتخاب شوند و راهبردها و سیاست‌ها به نحو مطلوبی اتخاذ گردند، اما عملکرد مناسبی مشاهده نشود و دستاورد قابل‌اعتنایی حاصل نگردد، پیمودن گام‌های بعدی می‌تواند مشکل‌آفرین باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس، مهر ۱۳۹۵). از این‌رو در این بخش تلاش می‌شود با وجود ضعف آماری موجود در خصوص عملکرد این مناطق، نگاهی اجمالی به برخی از شاخص‌های مناطق آزاد کشور صورت گیرد.

بررسی آمارهای واردات حاکی از آن است که کل مبلغ واردات کالا با هدف تولید، عرضه و مصرف در مناطق آزاد طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، معادل ۷۱۲۱ میلیون دلار بوده است که این رقم، واردات کالا از طریق گمرک جمهوری اسلامی ایران در منطقه آزاد به سرزمین اصلی را شامل نمی‌شود. در بین مناطق آزاد، قشم و کیش به ترتیب بیشترین میزان واردات به هدف تولید، عرضه و مصرف در منطقه را در طی این ۵ سال داشته‌اند.

جدول ۲- واردات کالا با هدف تولید، عرضه و مصرف در مناطق آزاد (میلیون دلار)

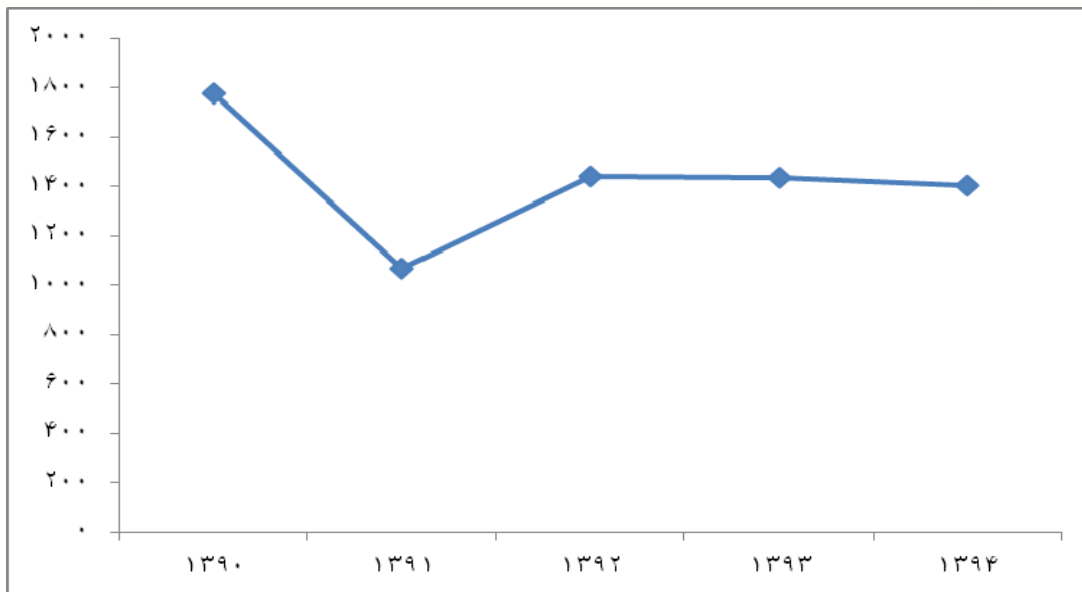
شرح	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	جمع منطقه
کیش	۳۰۲	۳۱۰	۵۵۹	۳۳۹	۳۶۶	۱۸۷۶
قشم	۴۹۲	۳۶۰	۴۷۵	۴۰۰	۳۱۵	۲۰۴۲
چابهار	۳۵۰	۲۹۰	۲۹۱	۱۸۲	۲۲۰	۱۳۳۳
انزلی	۱۹	۱۰	۲۵	۶۴	۵۰	۱۶۹
اروند	۲۶۸	۸۶	۱۱	۲۶۸	۲۲۸	۸۶۱
ارس	۳۴۶	۱۲	۷۹	۱۶۱	۱۶۳	۷۶۱
ماکو	۰	۰	۰	۲۰	۵۹	۷۹
جمع سالیانه	۱۷۷۷	۱۰۶۹	۱۴۴۰	۱۴۳۴	۱۴۰۲	۷۱۲۱

منبع: آمارهای رسمی از شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی

**واردات فوق حاصل تجمع میزان واردات مواد اولیه و تجهیزات برای واحدهای تولیدی، واردات وسیله نقلیه موتوری، واردات به منظور عرضه در قالب کالای همراه مسافر و واردات کالا به منظور عرضه در قالب کالای همراه مسافر و واردات کالا به منظور مصرف در منطقه است.

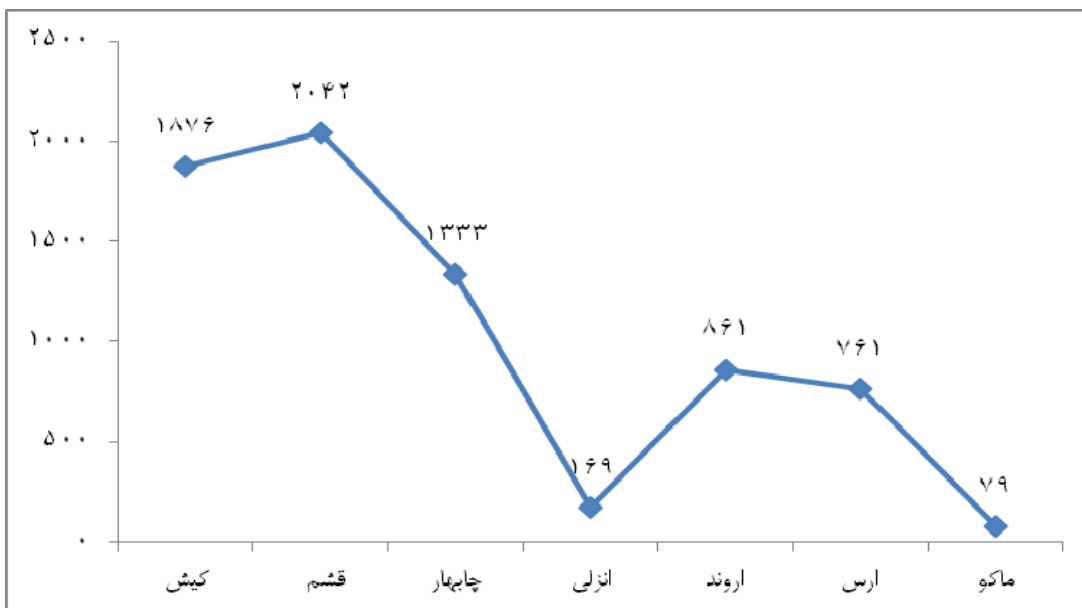
**منطقه آزاد ماکو سال ۱۳۹۰ تصویب و از ۱۳۹۱ شروع به فعالیت کرده است.

^۸ اطلاعات آماری مناطق ویژه موجود نیست. اطلاعات مناطق آزاد هم بعد از پیگیری‌های مستمر، در پاسخ به نامه اتاق ایران به صورت رسمی و مکتوب توسط شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی در دو نوبت ارائه شد. در نوبت اول اطلاعات از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ ارسال گردید و مجدد در نوبت دوم اطلاعاتی از سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ ارسال شد. با توجه به اینکه در نوبت دوم اصلاحاتی در آمارها صورت گرفته بود، در بعضی از قسمت‌ها به ناچار آمارها از سال ۱۳۹۰ بررسی گردیده است.



نمودار ۱- واردات کالا با هدف تولید، عرضه و مصرف در مناطق آزاد (میلیون دلار)

منبع: آمارهای رسمی از شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی
 *واردات فوق حاصل تجميع میزان واردات مواد اولیه و تجهیزات برای واحدهای تولیدی، واردات وسیله نقلیه موتوری، واردات به منظور عرضه در قالب کالای همراه مسافر و واردات کالا به منظور عرضه در قالب کالای همراه مسافر و واردات کالا به منظور مصرف در منطقه است.
 **منطقه آزاد ماکو سال ۱۳۹۰ تصویب و از ۱۳۹۱ شروع به فعالیت کرده است.



نمودار ۲- واردات کالا با هدف تولید، عرضه و مصرف به تفکیک مناطق آزاد طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ (میلیون دلار)

منبع: آمارهای رسمی از شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی
 *واردات فوق حاصل تجميع میزان واردات مواد اولیه و تجهیزات برای واحدهای تولیدی، واردات وسیله نقلیه موتوری، واردات به منظور عرضه در قالب کالای همراه مسافر و واردات کالا به منظور عرضه در قالب کالای همراه مسافر و واردات کالا به منظور مصرف در منطقه است.
 **منطقه آزاد ماکو سال ۱۳۹۰ تصویب و از ۱۳۹۱ شروع به فعالیت کرده است.

میزان واردات کالا از طریق گمرک جمهوری اسلامی ایران در مناطق آزاد به سرزمین اصلی در جدول (۳)، مشاهده می شود که سهم منطقه اروند بیش از سایرین است.

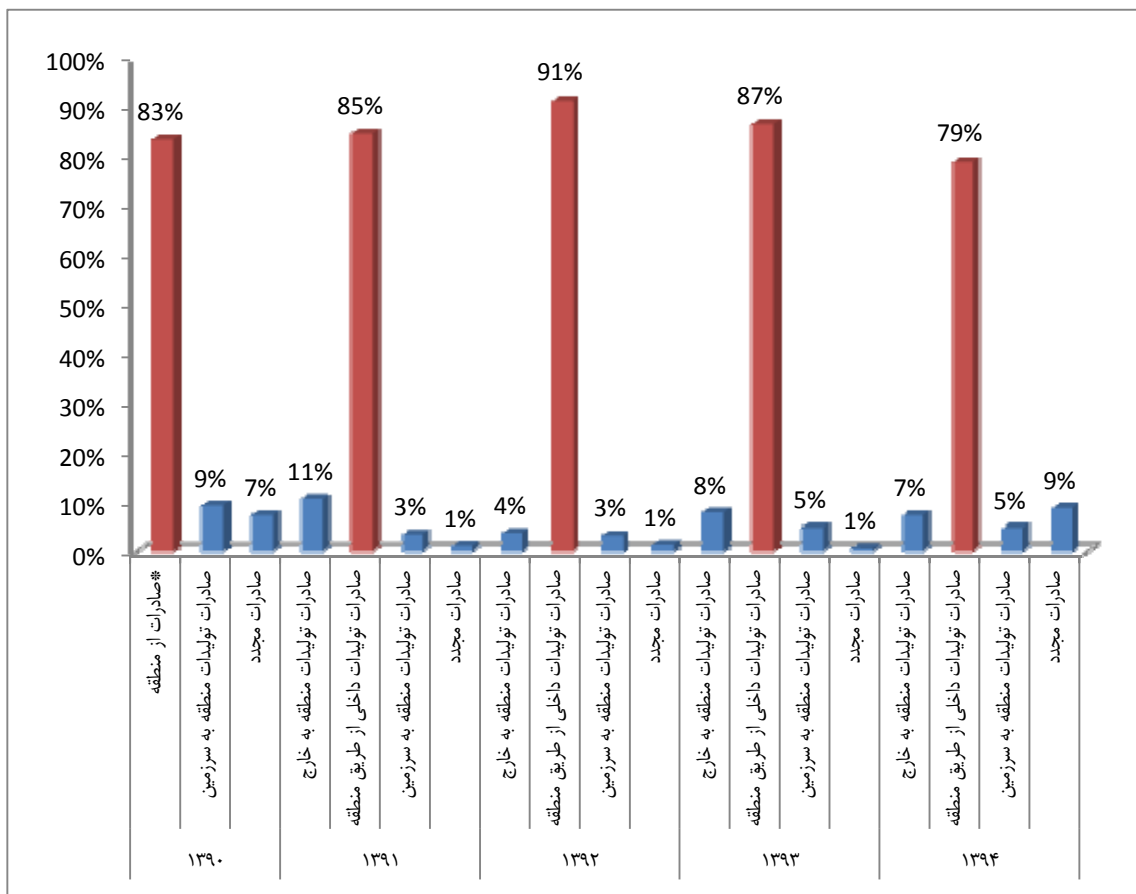
جدول ۳- واردات کالا از طریق گمرک ج.ا.ا در منطقه آزاد به سرزمین اصلی طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ (میلیون دلار)

شرح	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	جمع منطقه
کیش	۱۱۰	۵۵	۴۱	۶۳	۶۷	۳۳۶
قشم	۷۵	۱۰۳	۱۱۴	۶۶	۱۹۸	۵۵۶
چابهار	۳۷۹	۳۴۶	۲۳۸	۴۲۶	۲۶۱	۱۶۵۰
انزلی	۱۹۶	۲۶۱	۱۴۷	۲۵۴	۴۸۵	۱۳۴۳
اروند	۴۰۵	۳۶۵	۷۴۵	۷۸۳	۵۳۷	۲۸۳۵
ارس	۳۹۷	۵۰۶	۴۹۷	۴۴۳	۴۴۳	۲۲۸۶
ماکو	۰	۸	۱۳۹	۲۵۴	۲۶۵	۶۶۶
جمع سالیانه	۱۵۶۲	۱۶۴۴	۱۹۲۱	۲۲۸۹	۲۲۵۶	۹۶۷۲

منبع: آمارهای رسمی از شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی
*منطقه آزاد ماکو سال ۱۳۹۰ تصویب و از ۱۳۹۱ شروع به فعالیت کرده است.

آمارهای ارائه شده در خصوص صادرات طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ شامل صادرات تولیدات منطقه به خارج، صادرات تولیدات داخلی از طریق منطقه، صادرات تولیدات منطقه به سرزمین و صادرات مجدد است که جمع آن معادل ۱۷۸۳۰ میلیون دلار اعلام شده است. نکته قابل توجه آن است که بیشترین سهم از صادرات طی این سالها متعلق به صادرات تولیدات داخلی از طریق منطقه به خارج است که رقمی حدود ۱۵۰۰۰ میلیون دلار و به طور میانگین سهمی بیش از ۸۰ درصد دارد و سهم تولیدات منطقه به خارج از کل صادرات صورت گرفته، بسیار ناچیز می باشد. منطقه اروند از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ بیشترین صادرات منطقه به خارج را داشته است.

با وجود اینکه تقویت و رشد صادرات یکی از اهداف تاسیس این مناطق بوده، آمارها بیانگر آن است که صادرات در این مناطق بسیار محدود بوده و در عمل معافیتها و حمایت های اعمال شده به رشد معنی دار تولیدات صادرات محور منجر نگردیده است.



نمودار ۳- سهم انواع صادرات از مناطق آزاد کشور طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ (درصد)

منبع: آمارهای رسمی از شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی
 *در سال ۱۳۹۰ آمار صادرات به صورت تجمیع صادرات منطقه به خارج و صادرات کالای داخلی از طریق منطقه می باشد.



جدول ۴- صادرات از مناطق آزاد کشور طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ (میلیون دلار)

منطقه	۱۳۹۴				۱۳۹۳				۱۳۹۲				۱۳۹۱				۱۳۹۰			منطقه
	صادرات مجدد	صادرات تولیدات منطقه به سرزمین	صادرات تولیدات داخلی از طریق منطقه	صادرات تولیدات منطقه به خارج	صادرات مجدد	صادرات تولیدات منطقه به سرزمین	صادرات تولیدات داخلی از طریق منطقه	صادرات تولیدات منطقه به خارج	صادرات مجدد	صادرات تولیدات منطقه به سرزمین	صادرات تولیدات داخلی از طریق منطقه	صادرات تولیدات منطقه به خارج	صادرات مجدد	صادرات تولیدات منطقه به سرزمین	صادرات تولیدات داخلی از طریق منطقه	صادرات تولیدات منطقه به خارج	صادرات مجدد	صادرات تولیدات منطقه به سرزمین	صادرات از منطقه	
کیش	۳۷	۷۵	۰	۵	۶	۷۴	۰	۳	۳۷	۵۳	۰	۲	۱۸	۳۵	۰	۱۴	۱۸۹	۱۷۶	۱۱۸	
قشم	۲	۲	۰	۲۱	۳	۱	۰	۲۴	۵	۱	۰	۳۵	۹	۲	۰	۲۰	۴	۱	۴۱	
چابهار	۰	۱۱	۰	۷	۰	۱۰	۰	۵	۸	۶	۰	۷	۸	۵	۰	۵	۵	۸	۸	
انزلی	۲۲۹	۶۹	۸۳	۴۲	۳	۸	۱۱۰	۹	۰	۱۱	۱۷۴	۵	۰.۵	۸	۱۴۲	۰.۴	۱	۸	۱۰۸	
اروند	۶	۰	۱,۲۵۱	۱۶۵	۱۳	۰	۱,۳۰۰	۲۱۶	۰	-	۷۷۹	۵۰	۰	۰	۴۵۱	۲۳۳	۰	۰	۶۴۶	
ارس	۹۰	۴۲	۱۸	۴۳	۳	۱۱۸	۱۵	۶۵	۱	۵۳	۳۲	۴۲	۰	۵۲	۴۰	۳۹	۰	۶۱	۶۳	
ماکو	۱	۰	۱,۹۱۸	۱۸	۰	۰	۲,۳۳۲	۱۹	۰	۰	۲,۴۰۹	۰	۰	۰	۱,۸۳۴	۰	۰	۰	۱,۲۹۵	
جمع سالیانه	۳۶۵	۱۹۹	۳,۲۷۰	۰۳۰	۹۲	۲۱۱	۳,۷۵۷	۰۳۴	۵۱	۱۲۴	۳,۳۹۴	۱۴۱	۳۶	۱۰۲	۲,۴۶۷	۳۱۱	۱۹۹	۲۵۴	۲,۲۷۹	
	۴,۱۳۵				۴,۳۳۷				۳,۷۱۰				۲,۹۱۶				۲,۷۳۲			
سهم	۹%	۵%	۷۹%	۷%	۱%	۵%	۸۷%	۸%	۱%	۳%	۹۱%	۴%	۱%	۳%	۸۵%	۱۱%	۷%	۹%	۸۳%	

منبع: آمارهای رسمی از شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی
 *در سال ۱۳۹۰ آمار صادرات به صورت تجمیع صادرات منطقه به خارج و صادرات کالای داخلی از طریق منطقه می باشد.

آمار سرمایه‌گذاری خارجی نیز طی دوره مورد بررسی بسیار ناچیز است و به جز دو مورد جذب سرمایه که به تدریج در سال‌های آتی قرار است محقق گردد، در سایر موارد جذب سرمایه خارجی قابل توجه نبوده است. عدم موفقیت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد ایران را شاید بتوان به عدم وجود استراتژی توسعه صنعتی و برنامه مشخص برای جذب سرمایه از خارج، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب در این مناطق و ضعف‌های قانونی مرتبط دانست.

جدول ۵- سرمایه‌گذاری خارجی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ (میلیون دلار)

منطقه	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
کیش	۰	۱۳	۰	۲۱۱	-	-	۳۰	۰	-	۳۳
قشم	۲	۵	۲۹	۵	۱۱	۱۴	۲	۰	۲	۷۳
چابهار	۴	۲	۲۶	۲۳۲	۱	۱	۰	۵	۳۸	۸
انزلی	۰	۱	۱	۳	۴	۱	۰	۰	۰	۳
اروند	۲۵	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۲۳	۵۳
ارس	۲	۱	۰	۳	۲۹	۶	۰	۱۷	۵۵۲	۴۹
ماکو	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴	۲	۱۰۶۲

منبع: آمارهای رسمی از شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی
 *با توجه به اینکه آمارهای رسمی در دو نوبت برای اتاق ایران ارسال گردید، آمارهای سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ بر اساس اطلاعات ارسالی در نوبت اول و سایر سال‌ها بر اساس اطلاعات ارسالی در نوبت دوم است.
 **۵۵۲ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی منطقه آزاد ارس در سال ۱۳۹۳ مربوط به مجوز سرمایه‌گذاری خارجی بوده که به تدریج محقق می‌شود.
 ***۱۰۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی منطقه آزاد ماکو در سال ۹۴ مربوط به مجوز سرمایه‌گذاری خارجی در پتروشیمی است که به تدریج طی ۴ سال محقق می‌شود.
 ****در سال‌هایی که عددی ارائه نشده، خالی گذاشته شده است.
 *****منطقه آزاد ماکو سال ۱۳۹۰ تصویب و از سال ۱۳۹۱ شروع به فعالیت کرده است.

میزان سرمایه‌گذاری‌های داخلی محقق شده بخش‌های غیردولتی در این مناطق طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴، معادل ۳۲۹ هزار میلیارد ریال بوده است. منطقه کیش با حدود ۱۲۸ هزار میلیارد ریال بیشترین سرمایه‌گذاری داخلی را در این سال‌ها داشته است، این در حالی است که در صادرات تولیدات منطقه به خارج، بسیار ضعیف عمل کرده است. به عبارتی سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در این منطقه چندان با محوریت تولید نبوده است.

جدول ۶- سرمایه‌گذاری داخلی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ (میلیارد ریال)

منطقه	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
کیش	۲,۶۲۶	۴,۶۵۱	۹,۱۱۲	۳,۱۸۰	۸,۷۳۴	۲۱,۱۶۵	۱۱,۷۶۹	۱۳,۲۸۰	۲۴,۹۳۰	۲۸,۷۷۰
قشم	۱,۵۳۰	۸۶۵	۵,۱۷۱	۴,۲۳۰	۳,۵۲۱	۴,۳۰۷	۸,۱۰۰	۸,۴۶۵	۲,۹۲۴	۱۴۹
چابهار	۱,۳۲۵	۱,۴۷۹	۴,۳۸۹	۳۶۲	۴۷۹	۱,۳۵۷	۶۳۶	۱۸,۲۹۴	۱۰۲,۵۱۵	۳۳۷
انزلی	۲۹۶	۲۲۹	۹۳	۳۹۷	۳۶۴	۱,۰۴۹	۳,۵۱۴	۸,۵۳۵	۴,۳۵۶	۱۹,۸۹۴
اروند	۰	۱,۵۵۶	۲,۱۴۶	۲,۶۰۵	۶۰۸	۱,۳۲۸	۲,۶۷۸	۱,۱۵۶	۵,۳۶۹	۱۱,۲۱۰
ارس	۸۸	۴۳	۰	۱۰۲	۴,۰۱۰	۵,۶۰۲	۳,۵۲۰	۱۰,۶۴۹	۱۶,۶۹۱	۲۱,۹۹۵
ماکو	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۳۸	۷۷۳	۴۴۴	۱,۴۲۴

منبع: آمارهای رسمی از شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی
 *با توجه به اینکه آمارهای رسمی در دو نوبت برای اتاق ایران ارسال گردید، آمارهای سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ بر اساس اطلاعات ارسالی در نوبت اول و سایر سال‌ها بر اساس اطلاعات ارسالی در نوبت دوم است.
 **آمار سرمایه‌گذاری‌های داخلی صرفاً مربوط به سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های غیردولتی می‌باشد و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی سازمان‌های مناطق آزاد در این آمارها درج نشده است.
 ***میزان سرمایه‌گذاری داخلی چابهار در سال ۱۳۹۳ بر اساس مجوزهای صادره بوده و تحقق یافته نیست.
 ****منطقه آزاد ماکو سال ۱۳۹۰ تصویب و از سال ۱۳۹۱ شروع به فعالیت کرده است.

بررسی آمار اشتغال ایجاد شده طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، گویای آن است که در طول ۵ سال حدود ۸۹ هزار شغل ایجاد شده است. شایان ذکر است که آمار اشتغال از دست رفته در این مناطق ارائه نگردیده است. منطقه کیش با وجود اینکه بیشترین سهم از سرمایه‌گذاری‌های داخلی را در بین مناطق به خود اختصاص داده و بعد از قشم در بین مناطق مورد بررسی، دومین واردکننده بوده است، اما سهم ناچیزی در ایجاد اشتغال داشته است. مناطق انزلی و ارس به ترتیب با ۲۴ و ۲۳ درصد، بیشترین سهم در ایجاد اشتغال را داشته‌اند.

جدول ۷- میزان اشتغال ایجاد شده در مناطق آزاد (نفر)

منطقه	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	جمع منطقه	سهم هر منطقه
کیش	۳۶۲	۳۵۰	۹۳۹	۱۹۵۰	۱۶۹۰	۵۲۹۱	۶٪
قشم	۱۴۱	۱۳۵۱	۶۰۲۰	۲۹۶۲	۹۷۱	۱۱۴۴۵	۱۳٪
چابهار	۱۳۱۸	۱۳۲۹	۱۴۰۰	۱۶۰۰	۳۰۰۳	۸۶۵۰	۱۰٪
ارس	۳۹۵۳	۴۳۵۰	۵۵۰۰	۳۸۸۴	۲۷۳۸	۲۰۴۲۵	۲۳٪
اروند	۲۵۲۱	۱۹۰۶	۱۳۱۲	۹۸۱۵	۲۸۹۲	۱۸۴۴۶	۲۱٪
انزلی	۴۴۵۵	۴۲۳۰	۴۲۱۹	۳۴۲۶	۵۴۰۰	۲۱۷۳۰	۲۴٪
ماکو	۰	۱۴۱	۳۰۰	۴۳۹	۲۳۳۸	۳۲۱۸	۴٪
جمع سال	۱۲۷۵۰	۱۳۶۵۷	۱۹۶۹۰	۲۴۰۷۶	۱۹۰۳۲	۸۹۲۰۵	۱۰۰

منبع: آمارهای رسمی از شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی

بیشترین میزان ترانزیت خارجی در طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴، مربوط به منطقه تازه تاسیس ماکو با سهم ۸۴ درصد از کل می‌باشد. سایر مناطق سهم ناچیزی در ترانزیت خارجی دارند.

جدول ۸- ترانزیت خارجی آزاد (میلیون دلار)

منطقه	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	جمع
کیش	۱۱۴	۴۲	۴۱	۲۰۱	۲۲۷	۴۲۳	۲۳۲	۴	۷	۶	۱,۲۹۷
قشم	۰	۱	۰	۱	۱	۲	۲۴	۳۳	۰	۱۰	۷۱
چابهار	۰	۰	۰	۰	۲	-	-	-	۳	۱۰	۱۵
انزلی	۲۸۲	۲۲۷	۲۲۹	۴۱۵	۵۸۵	۶۵۶	۱	۲۵	۲۰۴	۴۹	۲,۶۷۳
اروند	۰	۰	۰	۱۰۲	۱۱	۱	۲	۲	۴۵	۱۳۷	۳۰۰
ارس	۱۶	۱۸	۳۶	۴۰	۴۱	۱۲۶	۵۷	۲۷۹	۲۹۹	۲۶۸	۱,۱۸۰
ماکو	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۶,۰۰۰	۱۴,۱۵۲	۳۰,۱۵۲
جمع	۴۱۲	۲۸۸	۳۰۶	۷۵۹	۸۶۷	۱,۲۰۸	۳۱۶	۳۴۳	۱۶,۵۵۸	۱۴,۶۳۲	۳۵,۶۸۸

منبع: آمارهای رسمی از شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی

* در منطقه آزاد ماکو آمار ارائه شده مربوط به کل ترانزیت از طریق مرزبازرگان و گمرک ج.ا. می‌باشد. این منطقه در سال ۱۳۹۰ تصویب و از

سال ۱۳۹۲ شروع به فعالیت کرده است.

** در برخی از سال‌ها عددی ارائه نشده است.

در مجموع می‌توان گفت اطلاعات و آمار محدودی که از مناطق آزاد ارائه گردید، بیانگر عدم تحقق اهداف برشمرده از ایجاد این مناطق است. مقایسه واردات منطقه با حجم صادرات تولیدات منطقه، میزان جذب سرمایه‌های خارجی و میزان اشتغال‌زایی گویای آن است که بدون نظارت مستمر بر این مناطق و اصلاح رویه‌های موجود، حرکت در مسیر فعلی منتج به تحقق اهداف مورد نظر نخواهد شد.

۵- علل عدم موفقیت مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری در کشور

با وجود جالب توجه بودن اهداف و انگیزه‌های ایجاد مناطق آزاد و ویژه در ایران به دلیل انحراف از فلسفه و اساس فعالیت مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری (که بر تولید و عملیات صنعتی، گردش تجارت و توسعه صادرات غیرنفتی استوار است) و نیز نواقص ناشی از عدم تطابق ابزارها با راهبرد توسعه، اهداف اصلی محقق نشد (خوش‌چهره، ۱۳۷۷). علت شکست ایران در بهره‌گیری از منافع مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری را می‌توان در چند دسته طبقه‌بندی کرد:

دسته اول: بی توجهی به تولید

عدم توجه به تولید به عنوان محور اصلی توسعه تجارت یکی از دلایل مهم عدم موفقیت این مناطق است. بی توجهی به تولید و تکیه صرف بر مزیت‌های نسبی و جهت‌گیری به سمت فعالیت‌های غیرتولیدی در این مناطق، باعث گردیده است که تولیدات این مناطق و نوع آن از آنچه مورد انتظار است، فاصله زیادی داشته باشد. مناطق آزاد زمانی می‌توانند سکویی برای صادرات باشند که اساساً تولیدی صورت گرفته باشد. بی‌توجهی به خلق مزیت، موجب صادرات مواد خام و کالاهایی با ارزش افزوده پایین در این مناطق شده است. مناطق آزاد زمانی می‌توانند کارکرد توسعه‌ای داشته باشند که برنامه مشخصی برای تولید طراحی شود. در غیر اینصورت این مناطق، مکانی برای واردات خواهند شد.

دسته دوم: انتخاب نقطه جغرافیایی نامناسب، عدم وجود زیرساخت‌ها و منابع مالی لازم

لازمه توسعه این مناطق و دستیابی به اهداف تعیین شده، انتخاب صحیح موقعیت جغرافیایی و وجود زیرساخت‌های مناسب است. عدم وجود زیرساخت‌های ضروری، چالش مناطق آزاد و ویژه در ایران می‌باشد. همچنین سهم ناچیز این مناطق از بودجه عمومی کشور و کافی نبودن درآمدهای اختصاصی این مناطق برای ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز، از موانع اصلی مناطق مذکور در دستیابی به اهداف تعیین شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

باید در نظر داشت که دستیابی به اهداف مورد نظر در مناطق آزاد و ویژه، مستلزم تامین بخش قابل توجهی از امکانات زیربنایی و نیازهای اولیه این مناطق پیش از آغاز فعالیت است. این در حالی است که آماده‌سازی زیرساخت‌ها از همان ابتدا مورد غفلت واقع شد، به طوری که پیش از ایجاد این مناطق، زیرساخت‌های لازم برای آنها فراهم نشد و سیاست ایجاد زیرساخت‌ها از محل درآمدهای این مناطق پس از افتتاح و شروع به کار، اتخاذ شد. در میان زیرساخت‌ها، تاسیسات گروه انرژی و حمل و نقل که نیاز به منابع مالی گسترده‌ای دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا ابزارهای مناسب حمل و نقل تاثیر به‌سزایی در موفقیت منطقه داشته و ناکارا بودن سیستم حمل و نقل عملاً فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیادی را سلب می‌کند. هر سرمایه‌گذار برای انتخاب مکان سرمایه‌گذاری، ابتدا اقدام به بررسی زیرساخت‌های موجود آن منطقه می‌کند و اگر زیرساخت‌ها ناقص یا ناکافی باشند، مکان دیگری را برای سرمایه‌گذاری انتخاب می‌نماید. این موضوع با توجه به وجود مناطق آزاد سایر کشورهای جهان مانند جبل‌علی امارات در منطقه خاورمیانه، تاثیر زیادی در جذب سرمایه‌های خارجی به این مناطق به جای مناطق آزاد ایران داشته است.

با ارزیابی مکان‌یابی مناطق آزاد درمی‌یابیم که مناطق مذکور بعضاً در محروم‌ترین نقاط جغرافیایی کشور به لحاظ زیرساختی جانمایی شده‌اند. انتخاب نقاط جغرافیایی محروم برای ایجاد این مناطق و عدم تعهد دولت در تامین نیازهای اولیه، نه تنها این مناطق را به عامل توسعه منطقه‌ای تبدیل ننموده، بلکه مشکلات خاص

آنها را به نابسامانی‌های مناطق محروم نیز افزوده است. از طرف دیگر این مناطق برای تامین اعتبار با مشکلاتی رو به رو هستند و تامین اعتبار مورد نیاز این مناطق بسیار کمتر از نیازهای آنها بوده است. از اینرو مناطق مجبورند برای فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم بدون توجه به اهداف این مناطق، به منابع درآمدی خود تنوع بخشند. این مساله به تلاش این مناطق برای کسب درآمد به هر طریق ممکن منجر گردیده است. این مساله از دلایل اصلی تبدیل شدن این مناطق به سکوی وارداتی و فروش اراضی به عنوان منبعی برای کسب درآمد است که یکی از دلایل انحراف این مناطق از اهداف اصلی ایجاد آنهاست. منوط شدن بودجه مناطق به واردات کالا، منجر به غفلت آنها از اهداف اولیه تاسیس نظیر تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری شده و فعالیت این مناطق عمدتاً به واردات کالاهای لوکس و غیرضروری به داخل کشور محدود شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

دسته سوم: عدم وجود نگاه استراتژیک و کلان به موضوع

سیاست‌های اتخاذ شده در کشور حاکی از آن است که تاسیس این مناطق بیشتر با هدف توسعه منطقه‌ای صورت گرفته و سایر اهداف همانند توسعه سرمایه‌گذاری خارجی و ورود به بازارهای جهانی و منطقه‌ای کمتر مورد توجه بوده است. این در حالی است که وجود نگاه استراتژیک از جمله پیش‌نیازهای لازم برای موفقیت این مناطق می‌باشد (همان).

با مقایسه مناطق آزاد ایران و منطقه آزاد جبل‌علی این موضوع روشن‌تر خواهد شد. نگاه استراتژیک به اهداف منطقه و امکان حضور سهل برای سرمایه‌گذار خارجی از جمله تفاوت‌های این دو منطقه است که منجر به ایجاد اختلاف فاحش در دستاوردهای آنها شده است. بطور مثال در منطقه آزاد جبل‌علی تمرکز بر روی فعالیت‌های اقتصادی صورت گرفته و سایر فعالیت‌ها و امکانات اقامتی و توریستی به دومی واگذار شده است، در حالیکه در مناطق آزاد ایران تجمیع فعالیت‌ها صورت گرفته و اصرار سیاستگذاران در تجمیع فعالیت‌ها و تمرکز ارائه خدمت در محدوده مرزهای مناطق آزاد، بدون توجه به پتانسیل و توانمندی مناطق همجوار بوده است. بدین ترتیب این روند باعث شده است رشد و توسعه مناطق آزاد کمتر باعث رشد و توسعه شهرستان‌های همجوار شود.

شهرستان چابهار و دبی در ابتدای تاسیس مناطق آزاد چابهار و جبل‌علی به لحاظ امکانات زیربنایی و رفاهی اختلاف زیادی با یکدیگر نداشتند. اما در سال ۲۰۱۰ تفاوت‌های قابل توجهی بین امکانات دو منطقه آزاد و دو سرزمین اصلی به وجود آمد. یکی از دلایل این اختلاف، تجمیع فعالیت‌های اقتصادی در مرز منطقه آزاد است که باعث اختلاف امکانات بین منطقه آزاد و سرزمین‌های همجوار آن در ایران شده است. در دومی، منطقه آزاد جبل‌علی که در دورترین نقطه نسبت به شهر دومی قرار دارد، صرفاً جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی، صنعتی و ترانزیت تجهیز و فعال گردیده و سایر عوامل مرتبط و موردنیاز اعم

از مراکز اقامتی مسکونی، مراکز مالی، پولی و اعتباری و ... در سرزمین اصلی یعنی امیرنشین دویی جانمایی و احداث گردیده است. به این ترتیب درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی منطقه آزاد جبل‌علی از یک سو و نیاز فعالان اقتصادی به خدمات رفاهی، اقامتی، درمانی، و تفریحی و ... از سوی دیگر، زمینه‌های رشد همه‌جانبه امیرنشین دویی را فراهم ساخته‌اند.

ایجاد فضای مساعد در جهت تامین نیازها که با قوانین تسهیل شده جذب سرمایه‌گذاری از ناحیه دولت دویی تامین گردیده، نتایج قابل ملاحظه‌ای را برای منطقه جبل‌علی رقم زده است. این در حالی است که در مناطق آزاد ایران اصرار بیش از حد بر ایجاد و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، تفریحی، اقامتی و .. در محدوده مرز مناطق آزاد، به یک عامل ضد توسعه‌ای در شهرستان‌ها و نواحی مستعد همجوار آن تبدیل شده و نه تنها شرایط توسعه منطقه‌ای فراهم نگردیده، بلکه فاصله محرومیت بیشتر نیز شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

دسته چهارم: چالش‌های قانونی

برخی از ابهامات موجود در قوانین و بعضی از خلاءهای قانونی، باعث شده تا این مناطق نتوانند به دسته‌ای از اهداف اولیه پیش بینی شده خود دست یابند. برخی از این ابهامات عبارتند از:

۱- نحوه محاسبه ارزش افزوده ایجاد شده در مناطق آزاد: معضل نحوه محاسبه ارزش افزوده از مهم‌ترین مشکلات بخش صنایع مستقر در مناطق آزاد و نیز یکی از عوامل بازدارنده توسعه صنعت در منطقه است که همواره موجب چالش بین مناطق آزاد و گمرک شده و مشکلاتی را در زمینه تولید کالا در مناطق آزاد ایجاد کرده است (همان).

۲- سرمایه‌گذاری خارجی: وجود ابهاماتی در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی یکی دیگر از مشکلات مربوط به موانع قانونی مناطق آزاد است. مناطق آزاد ایران تاکنون نتوانسته‌اند با ایجاد اطمینان در فضای سرمایه‌گذاری، زمینه مساعدی را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کنند. این در حالی است که جذب سرمایه‌گذاران خارجی مستلزم اطمینان خاطر سرمایه‌گذار از انباشت و بازگشت سرمایه است (همان).

۳- بانکداری و بیمه: به‌طور معمول قوانین مربوط به بانکداری در مناطق آزاد و ویژه کشورهای مختلف جهان متفاوت با سرزمین اصلی است. این قوانین به‌گونه‌ای تنظیم می‌شوند تا امکان فعالیت بانک‌های خارجی در مناطق آزاد را سهل کرده و در پی آن امکان سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد را گسترش دهد. با این حال سیاست‌های مالی مناطق آزاد تاکنون نتوانسته بانک‌ها و موسسات مالی خارجی را به فعالیت در مناطق آزاد تشویق کند. یکی از دلایل عدم تمایل بانک‌های خارجی برای فعالیت در مناطق آزاد را می‌توان به بوروکراسی پیچیده برای اخذ مجوز تاسیس و ریسک بالای سرمایه‌گذاری به علت عدم اطمینان کافی برای حفظ حقوق مالکیت نسبت داد (همان).

بخش چهارم: پیشنهادات و راهکارها

مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی یکی از ابزارهای توسعه تجارت خارجی هستند که می‌توانند به تقویت تولید صادرات محور و توسعه اقتصادی کشورها کمک کنند و نیز زمینه مساعدی را برای رفع موانع توسعه اقتصادی، از جمله جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی، افزایش تولید و ایجاد اشتغال فراهم نمایند. تاسیس این مناطق در کشورهایی با بیشترین موفقیت همراه بوده که حرکت پیوسته و باثباتی را دنبال کرده و ورود به عرصه تولید و تجارت در جهان را در دستور کار خود قرار داده‌اند. در کشورهای موفق، ایجاد این مناطق به منزله ابزاری برای توسعه صنعتی و تقویت تولید در دستور کار قرار گرفته‌اند (رهنورد، ۱۳۸۹).

آنچه مسلم است، صرف ایجاد مناطق آزاد و ویژه به افزایش صادرات، ایجاد اشتغال و جذب فناوری‌های نوین منتج نخواهد شد. شرط اصلی تحقق این اهداف، داشتن رویکرد تولیدمحور و توجه ویژه به تقویت تولید در این مناطق است که این مهم، بدون وجود استراتژی توسعه صنعتی و برنامه راه مشخص، محقق نخواهد شد. به‌علاوه ایجاد زیرساخت‌ها به صورت اصولی و علمی (تحلیل‌های هزینه و فایده) و مشخص کردن جایگاه درست مناطق مذکور در اهداف بلندمدت توسعه اقتصادی کشور، بسیار حائز اهمیت است. متأسفانه در کشور این مسائل در ایجاد مناطق آزاد و ویژه، مورد غفلت قرار گرفته است و نتیجه این غفلت-ها نه تنها سبب گردیده در اداره و استفاده از مناطق فوق چالش‌هایی به‌وجود آید، بلکه منجر به دور شدن از اهداف اصلی (توسعه صادرات کالاهایی با ارزش افزوده بالا، افزایش اشتغال، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی‌های نوین و دانش بنیان) نیز گردیده است.

متأسفانه نگرش اشتباه نسبت به مناطق آزاد سبب شده به جای نگاه بلندمدت به این مناطق به‌عنوان کانون‌های رشد و توسعه کشور، ایجاد این مناطق تبدیل به مطالبه‌ای استانی شود. این وضعیت شرایطی را رقم زده است که در حال حاضر، تقریباً در تمامی استان‌های مرزی کشور، یک منطقه آزاد ایجاد شده و یا در حال ایجاد است (مرکز پژوهش‌های مجلس، مهر ۱۳۹۵).

نظر به آنکه دولت محترم لایحه پیشنهادی خود، مبنی بر ایجاد هفت منطقه آزاد تجاری - صنعتی و دوازده منطقه ویژه اقتصادی جدید در کشور را تقدیم مجلس شورای اسلامی نموده است و با توجه به تمام آنچه در زمینه تجربه ایران در خصوص این مناطق مطرح گشت، توصیه می‌گردد بسترهای نهادی لازم پیش از گسترش این مناطق فراهم گردد. از طرفی تغییر نگرش سیاستگذاران و مدیران ارشد به سمت بالا بردن کیفیت مناطق مذکور و نه صرفاً افزایش کمیت آنها بسیار ضروری است. ایجاد مناطق جدید با روش متداول فعلی نه تنها با عدم تحقق اهداف تعیین شده روبرو می‌شود، بلکه هزینه‌های هنگفتی بر اقتصاد ملی

تحمیل می‌گردد. بنابراین توسعه کمی مناطق آزاد و ویژه بدون رفع چالش‌های پیش روی آنها بی‌فایده خواهد بود.

مجلس محترم با بهره‌گیری از قدرت قانونی و نقش نظارتی خود می‌تواند به بررسی چرایی عدم تحقق اهداف توسعه‌ای برشمرده برای ایجاد این مناطق پرداخته و تا رفع مشکلات فعلی این مناطق از توسعه کمی آنها جلوگیری به عمل آورد.

راهکارهایی که در انتها پیشنهاد می‌گردد به شرح زیر است:

- تعیین و تدوین نقشه راه تولید در قالب استراتژی توسعه صنعتی به دور از فضای اقتصاد سیاسی در راستای هدفمند ساختن برنامه تولیدی این مناطق،
- بازتعریف نقش مناطق آزاد و ویژه به‌عنوان مناطقی برای تولید صادرات محور، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری‌های جدید (مرکز پژوهش‌های مجلس، مرداد ۱۳۹۵)،
- هم‌راستاسازی اهداف ملی و منطقه‌ای و تمرکز بر اهداف بلندمدت توسعه‌ای،
- مکان‌یابی درست و بهره‌گیری از مطالعات فنی-اقتصادی پیش از تاسیس مناطق جدید،
- گسترش و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی مناسب برای تولید و صادرات با پشتیبانی و تسهیلات دولت قبل از شروع فعالیت،
- ایجاد تنوع در درآمدهای این مناطق و رفع وابستگی آنها به درآمدهای ناشی از واردات خودروهای لوکس، عوارض وارداتی کالاهای مصرفی و فروش اراضی،
- نظارت بر عملکرد این مناطق توسط سازمان‌های مرتبط،
- اصلاح و به‌روزرسانی قوانین و مقررات جذب سرمایه‌گذاری خارجی، بانک، بیمه و بازارهای مالی (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۵)،
- ضرورت وحدت مدیریت و یکپارچگی نظارت بر عملکرد صادرات و واردات در کشور با هماهنگی میان سازمان مناطق با گمرک ایران (همان)،
- تقویت نظارت بر عملکرد مناطق و ارائه مستمر آمار عملکرد توسط سازمان‌های متولی (همان).

منابع فارسی

۱. التجائی، ابراهیم، ۱۳۸۸، "مناطق آزاد تجاری و صنعتی: ابزار راهبرد توسعه صادرات در مقایسه با سه کشور دیگر آسیایی"، پژوهشنامه اقتصادی - شماره ۳۳.
۲. ایروانی، محمدجواد، ۱۳۸۲، "نهادها و تغییرات نهادی در چین"، انتشارات دُر
۳. چانگ، هاجون، ۱۳۹۲، "نیکوکاران نابکار"، مترجمان: میرمحمد نبوی و مهرداد شهبانی، انتشارات کتاب آمه، چاپ اول.
۴. چانگ، هاجون، ۱۳۹۲، "اقتصاد سیاسی، سیاست صنعتی"، مترجم: اصلان قودجانی، انتشارات نوین طراحان آزاد، چاپ اول.
۵. خوش چهره، محمد، ۱۳۷۷، "مناطق آزاد بدون تدوین راهبرد توسعه نمی توانند موفق عمل کنند."، مجله بررسی های بازرگانی، شماره ۱۳۳، تهران.
۶. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۵ (تیر)، "اظهارنظر کارشناسی درباره: لایحه ایجاد هفت منطقه آزاد تجاری - صنعتی و دوازده منطقه ویژه اقتصادی".
۷. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۵ (مرداد)، "با نمایندگان مردم در مجلس دهم: مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی".
۸. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۵ (مهر)، "فرا تحلیل مطالعات مناطق آزاد: ۱. مقالات".
۹. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۰، "بررسی چالش های مناطق آزاد ایران".
۱۰. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۷، "اظهارنظر کارشناسی درباره: لایحه ایجاد یک منطقه آزاد تجاری - صنعتی و پانزده منطقه ویژه اقتصادی".
۱۱. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۵، "مروری بر تجربه مناطق آزاد تجاری - صنعتی در چین".
۱۲. رهنورد، فرج الله، ۱۳۸۹، "عوامل موثر بر عملکرد مناطق آزاد تجاری-صنعتی، فرآیند مدیریت و توسعه"، شماره ۷۴، پاییز و زمستان
۱۳. سازمان منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی انرژی پارس، ۱۳۹۴، "سرمایه‌گذاری در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس ویژگی‌ها ، پتانسیل‌ها"، www.pseez.ir
۱۴. شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی: www.freezones.ir
۱۵. کامران، حسن، ۱۳۸۱، "علل توسعه نیافتگی مناطق آزاد ایران"، مجله تحقیقات جغرافیایی، دانشگاه تهران، شماره ۶۵ و ۶۶.
۱۶. کمیجانی، اکبر، ۱۳۷۳، "طرح ارزیابی اقتصادی مناطق آزاد تجاری و صنعتی"، وزارت امور اقتصادی و دارایی
۱۷. گروه مدیریت و اقتصاد مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۸، "دولت توسعه‌گرا"، مترجمان: آرش اسلامی و میثم قاسم‌نژاد، انتشارات: جواد ناصربخت، چاپ اول.
۱۸. لطیفی، غلامرضا و امین‌آقایی، مهرناز، ۱۳۸۵، "جایگاه مناطق آزاد در برنامه‌ریزی منطقه‌ای ایران"، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۳۶
۱۹. لیست، فردریک، ۱۳۸۰، "خطوط کلی نظام آمریکایی اقتصاد سیاسی"، مترجم: ناصر معتمدی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.



۲۰. محقق، مهدی، ۱۳۸۶، "تحلیلی بر وضعیت مناطق آزاد و ویژه در ایران"، بررسی های بازرگانی، شماره ۲۳.

منابع انگلیسی

21. Baissac, C.2011.Brief history of SEZs and overview of policy debates. In Farole, T.Special Economic Zones in Africa: Comparing Performance and Learning from Global Experience. Washington, DC: World Bank.
22. Dobronogov, A. and Farole, T.2012.An Economic Integration Zone for the East African Community: Exploiting regional potential and addressing commitment challenges. Word Bank Policy Research Working Paper 5967. Washington, DC: Word Bank.
23. Foreign Investment Advisory Service (FIAS). 2008. Special Economic Zones: Performance, Lessons lernes, and implications for zone development. Washingtone, DC: World Bank.
24. Sargent, John; Matthews, Linda. "China vs. Mexico in the Global EPZ Industry: Maquiladoras, FDI Quality and Plant Mortality" (PDF). University of Texas Pan America. Retrieved 2009-11-11.
25. Sullivan.A; Sheffrin, Steven M. (2003). Economics: Principles in action. Upper Saddle River, New Jersey 07458: Pearson Prentice Hall. p. 454. ISBN 0-13-063085-3.
26. Unido.2009.Industrial Development Report 2009: Breaking in and moving up – new industrial challenges for the bottom billion and the middle income countries. Vienna: United Nations Industrial Development Organisation.
27. Zhuri Free Trade Zone (2004) From, www.zhfreetradezone.org
28. Xiongnu Free Trade Zone(2004) From www.chinavista.com
29. <https://www.britannica.com/topic/free-trade-zone>